

تداخل در مجازات جرایم جنسی

در بستر مبانی فقهی و قانون مجازات اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

سمن عباس نیا

چکیده

مسئله چالش برانگیز در رویایی رویی با جرایم جنسی هنگامی است که مجرمین مرتکب جرایم متعددی شده و در فواصل ارتکاب جرایم مجازات نمی‌شوند، وضعیت موجود مشتمل عنوان تعدد جرم می‌گردد. موارد تعدد جرم امری مهم و گاه پیچیده می‌باشد که در برخی موارد موجب تداخل مجازات و گاهی موجب عدم تداخل مجازات می‌شود. شناخت اصول و قواعد فقهی و حقوقی در حل این تعارض مؤثر است. جرایم جنسی گاهی مستوجب مجازات حدی یا مجازات تعزیری و گاهی پرداخت دیه می‌شوند. ماحصل این پژوهش آن است که قانون‌گذار به پیروی از مشهور فقها در حل این تعارض از قاعده عدم تداخل مجازات‌ها استفاده می‌کند، مگر در مواردی که در قانون و فقه برای آن ترتیب دیگری اتخاذ شده باشد. در مسیر پیروی از نظر فقها در تعدد جرایم حدی یکسان، قاعده تداخل مجازات پذیرفته شده و در موارد دیگری قانون‌گذار در تعدد جرایم حدی تنها به اجرای مجازات اشد حکم کرده است. قانون‌گذار در مواردی چند نیز در برخورد با تعدد جرایم مستوجب حد و تعزیر از قاعده اصلی عدول کرده و تنها اجرای مجازات حدی را برای مجرم در نظر گرفته است. قاعده پذیرفته شده توسط قانون‌گذار در فرض تعدد در جرایم مستوجب تعزیر قاعده تداخل مجازات‌ها است. جرایم جنسی مستوجب دیه نام برده در این پژوهش، در قانون دارای رویکردی متفاوتی نسبت به سایر اصول تعدد دیات از منظر فقه و حقوق می‌باشد. این پژوهش با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی در کنار جست‌وجو در مبانی فقهی شیعه، به بررسی بنیان‌های فکری اهل سنت نیز پرداخت و در آخر نیز به نتایجی همچون یکسان بودن دیدگاه فقهای فقه‌های شیعه و اهل سنت در تعدد جرایم حدی مشابه، پذیرش اصل

عدم تداخل از نظر فقه‌های مذاهب خمس در فرض تعدد جرایم مستوجب حد، تعزیر و دیه و... منتهی گردید.

واژگان کلیدی: جرم، جرم جنسی، تعدد، تداخل، مجازات، مبانی فقهی، حقوق کیفری

بخش اول : مفاهیم پژوهش

بند اول : مفهوم جرم و جرایم جنسی

جرم : علمای حقوق کیفری تعاریف متعددی از جرم ارائه داده‌اند که هر کدام از این تعاریف برگرفته از عقاید مکتبی است. برای مثال تعریف ارائه شده از جرم در مکتب عدالت مطلق عبارت است از هر فعل مغایر اخلاق و عدالت. در حقوق جزای عرفی تعریف جرم عبارت است از عملی که قانون آن را قدغن کرده، یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته و بر آن عمل یا ترک، کیفری مقرر داشته است (فیض، ۱۳۶۹، ۶۰).

در آخر می‌توان به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که مقرر کرده است: «هر رفتاری اعم از فعل و یا ترک که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.»

جرایم جنسی : اعمال و رفتارهایی به شمار می‌آیند که در وقوع آن‌ها گزینه و میل جنسی نقش دارند. به عبارت دیگر رفتارهایی هستند که فرد برای تسکین گزینه جنسی خود مرتکب آن‌ها می‌شود. این اعمال از طرف قانون ممنوع و برای آن‌ها مجازات تعیین شده است (عزیزی، ۱۳۹۵، ۶۳).

از دیرباز ایجاد محدودیت‌هایی در روابط جنسی افراد علاوه بر مبانی دینی آن برای جوامع بشری نیز حائز اهمیت بوده است. امروزه نیز به اقتضای فرهنگ، دین و قوانین حاکم بر کشور شاهد ممنوعیت‌هایی تحت عنوان جرایم جنسی هستیم. بررسی تاریخی این جرایم ما را در درک بهتر بازتفسیر این جرایم در فقه جزایی اسلام و ایران یاری می‌نماید.

اصولا رفتارهای جنسی جرم انگاری شده در قانون مجازات اسلامی ایران را می‌توان از یک منظر به دو گروه جرایم جنسی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. توضیح آنکه جرایم جنسی مستقیم به آن دسته اطلاق می‌شود که رابطه جنسی بین دو نفر، اعم از هم جنس

یا غیر آن را مورد توجه قرار می‌دهد (کبریتی، ۱۳۸۹، ۱۱۴). در مقابل جرایم جنسی غیرمستقیم نیز متضمن جرایمی است که با جرایم جنسی مستقیم ارتباط دارند.

بند دوم: مفهوم تعدد جرم و انواع آن

تعدد در لغت به معنای بیشمار شدن، زیاد شدن عدد، بسیار گشتن، افزونی و فراوانی است (معین، ۱۳۸۷، ۲۹۴).

تعدد جرم عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد، خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشند، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرایم اولیه به دلایل گوناگون کشف نشده باشد. تعدد جرم از جهات تشدید مجازات است، زیرا عدالت و انصاف حکم می‌کند که مجازات کسی که یک بار مرتکب جرم شده و آن کس که چندین بار نظم اجتماعی را آشفته ساخته است یکسان نباشد. از سوی دیگر ارتکاب جرایم متعدد گاه نشانه ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار است. دفاع از جامعه اقتضاء می‌کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار تصمیم دیگری جدا از مجازات اتخاذ گردد (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۱۷۵).

انواع تعدد جرم:

الف) تعدد مادی

تعدد مادی یا تعدد واقعی حالتی است که مجرم دو یا چند عمل جداگانه انجام می‌دهد یا مرتکب دو یا چند ترک فعل می‌شود که هر یک از این فعل و ترک فعل‌ها جرم مستقلی محسوب می‌شوند. این در حالی است که برای هیچ یک از این اعمال حکم محکومیت قطعی صادر نشده و مجرم مجازات نشده است.

ب - تعدد معنوی یا اعتباری

مجرم در تعدد معنوی تنها یک عمل مجرمانه انجام می‌دهد که این عمل واحد وی دارای دو یا چند عنوان مجرمانه است، به عبارت دیگر در تعدد معنوی مجرم جرم واحدی را مرتکب شده است، اما این جرم واحد رکن مادی جرایم متعددی را شامل می‌شود، در نتیجه عناوین جزایی متعددی بر وی بار می‌شود.

ج - تعدد نتیجه

تعدد نتیجه عبارت از وضعیتی است که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج متعددی حاصل می‌شود.

بخش دوم: دیدگاه فقهای مذاهب خمس در برخورد با تعدد جرم

فقه عامه عمدتاً در مورد تعدد عقوبات معتقد به تداخل در حق الله و عدم تداخل در حق الناس است (عوده، بی تا، ۶۲۸). آنان تداخل را تحت عنوان نظریه تداخل به دو صورت پذیرفته‌اند:

۱- وحدت نوع جرم هرگاه جرایم متعدد از یک نوع باشد خواه این مجازات‌ها حد باشند یا تعزیر (همان، ۶۲۸). شایان ذکر است در این مورد نیز چنانچه جرایم به لحاظ خفیف یا شدید بودن یکسان باشند، رأی مشهور تداخل مجازات‌ها است ولی اگر ارکان تشکیل‌دهنده جرایم علی‌رغم دارا بودن عنوان واحد متفاوت باشند؛ مثلاً سرقتی که ساده باشد با سرقتی که مفهوم محاربه داشته باشد یا خود محاربه با محاربه‌ای که همراه با قتل و غیره باشد، هرچند ارکان جرم متفاوت و مجازات نیز فرق داشته، ولی صدق عنوان واحد، مستلزم تداخل است، نهایت اینکه مجازات اشد اجرا می‌شود (جوکار، ۱۳۸۵، ۴۷).

۲- مورد دوم در اعمال قاعده تداخل، وقتی است که جرایم متفاوت دارای مجازات‌های متفاوت باشند، ولی غرض از مجازات مقرر در این نوع جرایم، حمایت از مصالح یکسان و واحد می‌باشد (عوده، بی تا، ۴۴۳/۲).

فقهای عامه به قاعده جب نیز معتقدند بدین شرح که اگر اجرای تمامی مجازات‌های متعدد ممتنع باشد فقط یک مجازات اجرا می‌گردد. گاهی مرتکب جرم به مجازات‌های مختلفی محکوم شده است و قاعده‌تاً می‌بایست تمامی مجازات‌ها در مورد وی اجرا گردد، ولی بعضی از مجازات‌ها به‌صورتی است که اجرای آن مانع از اجرای مجازات‌های دیگر می‌شود و در واقع با اجرای این مجازات‌ها، مجازات‌های دیگر ممتنع و غیرقابل اجرا می‌شوند. در چنین حالتی فقط به همان مجازاتی که اجرائش مانع از اجرای سایر مجازات‌ها است، اکتفا می‌شود (همان).

این در حالی است که فقه امامیه قاعده جب را نپذیرفته و رویکردی که به قاعده تعدد جرم در حدود، قصاص و دیات دارد، اساساً قاعده جمع مجازات‌ها می‌باشد. روایات نیز صریح در جمع مجازات‌ها است، به نحوی که اگر دو حد با هم جمع شوند، اجرای آن‌ها می‌بایست

به نحوی صورت گیرد که استیفای یکی موجب از بین رفتن دیگری نگردد (جوکار، ۱۳۸۵، ۴۹).

لازم است متذکر شویم که رویکرد فقه امامیه به قاعده تداخل در خصوص حدود واحد و یکسان چنین است که تعدد واقعی را موجب مجازات می‌داند، به عنوان مثال شخصی که مرتکب چندین بار زنا یا چندین مرتبه سرقت شده تا زمانی که حد بر او جاری نشده باشد، فقط یک حد بر وی اجرا می‌شود و بنابراین این تعدد واقعی در حدود مشابه و یکسان مستوجب اجرا یک حد می‌باشد (فیض، ۱۳۶۹، ۴۵۴). به عبارت دیگر فقهای شیعه به قاعده عدم تداخل در فرض تعدد جرایم معتقدند، مگر در صورت تحقق سه شرط ذیل:

- ۱- جرایم ارتكابی از نوع واحد باشد.
 - ۲- در فواصل ارتكاب جرم، مجرم مجازات (تعزیری یا حدی) نشده باشد.
 - ۳- جرم ارتكابی دارای جنبه حق‌اللهی باشد.
- البته به نظر می‌رسد که با توجه به پذیرش قاعده تداخل مجازات در جرم قذف و حق‌الناسی بودن این جرم این استثنا گاهی از نظر فقهای مذاهب خمسسه در جرایم حق‌الناسی نیز وجود دارد.

بخش سوم: دیدگاه قانون مجازات اسلامی در برخورد با تعدد جرم

قانون‌گذار در برخورد با تعدد جرایم مستوجب حد از نظر مشهور فقهای شیعه پیروی کرده و به قاعده عدم تداخل حکم می‌کند و قاعده تداخل را به پیروی از آنان در صورت ارتكاب جرایم مستوجب حد یکسان طبق مواد ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر کرده است: «در جرایم موجب حد، تعدد جرم موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرایم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.» پذیرفته است.

قانون‌گذار در برخورد با این موضوع که یک مجازات باعث از بین رفتن زمینه و یا به تأخیر افتادن اجرای مجازات دیگر نباشد در مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی از فقهای شیعه پیروی کرده است و بدین سبب به ترتیب مقرر کرده است:

ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی: «در تعدد جرایم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لیکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در

اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می‌شود.»

ماده ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی: «در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر و نیز جرایم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود. مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌گردد.»

با توجه به مطالب ذکر شده در فصول گذشته به نظر می‌رسد که تبصره ۱ و ۲ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی ابتکار و یا پیروی قانون‌گذار از فقهای غیرمشهور بوده که طی آن به ترتیب ذیل مقرر گردیده است:

تبصره ۱ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود.»

تبصره ۲ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود، مانند تخفیف در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجرا می‌شود.»

بخش چهارم: تقابل بین دیدگاه مقنن و فقهای مذاهب خمس در تعدد جرایم

جنسی حدی

بند اول: تعدد جرم در قیادت

الف) دیدگاه فقهای مذاهب خمس

در کتب فقهی به تعدد این جرم اشاره‌ای نشده است و می‌توان گفت که به مانند سایر حدود تا زمانی که مجازات قوادی بر مرتکب، اجرا نشده باشد همه موارد قبلی قیادت به منزله یک عمل قوادی محسوب شده و مرتکب به یک حد محکوم می‌شود. (کلامی، ۱۳۸۹،

۶۵)

ب) دیدگاه مقنن

قانون‌گذار نیز در این مورد قاعده کلی یعنی اجرای یک مجازات در صورت تعدد جرایم حدی یکسان را در نظر گرفته است. این جرم در قانون مجازات اسلامی طی تحقق شرایطی در زمره جرایم مستوجب تعزیر قرار می‌گیرد و بر آن نیز احکامی مترتب می‌شود که قانون-

گذار به پیروی از فقهای اهل سنت و یا فقهای شیعه غیرمشهور قوادی را تحت شرایطی مستوجب تعزیر دانسته است.

بند دوم: تعدد جرم در زنا

الف) دیدگاه فقهای مذاهب خمسسه

از نظر فقها در زنا مکرر هر چند زیاد باشد در صورتی که برای هر بار زنا حدی جاری نشده باشد یک حد اجرا می‌شود خواه این زنا با یک زن یا زنان متعدد واقع شده باشد و خواه در یک روز یا در روزهای مختلف، این نظر قول مشهور فقها است (نجفی، ۱۴۴۰ه.ق، ۴۳/۴۳). نظر مشهور فقها بر آن است که، تداخل مجازات‌ها در بزه زنا وقتی است که مجرم زناهای متعدد از یک نوع خاص (با مجازات‌های یکسان) را مرتکب شده باشد ولی چنانچه نوع مجازات‌ها متفاوت باشد این حکم را صادق ندانسته‌اند، بلکه حکم به جمع مجازات‌ها نموده‌اند (جوکار، ۱۳۸۵، ۶۷). در فقه امامیه، فقها در حالتی که بزه‌کار مرتکب چندین نوع زنا شده باشد، قاعده عدم تداخل مجازات را پذیرفته‌اند و اگر مجازات‌های ارتكابی مستوجب اعدام، رجم و جلد باشد، مرتکب را مستحق بر تحمل تمامی آن‌ها می‌دانند. البته همان‌طور که توضیح داده شده است این موضوع میان فقها برای استفاده از قاعده جمع مجازات‌ها یا اجرای مجازات اشد محل اختلاف است. در میان فقهای اهل سنت نیز شرایطی مانند آنچه در فقه امامیه ذکر شد حاکم است، اما در نهایت با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت نظر مشهور فقهای اهل سنت نیز استفاده از قاعده جمع مجازات‌ها در شرایط ذکر شده می‌باشد.

ب) دیدگاه مقنن

به نظر می‌رسد که نقطه مشترک میان فقهای مذاهب خمسسه و قانون‌گذار زمانی است که فرد بزه‌کار مرتکب چند مرتبه زنا با یک زن یا زنان متعدد شده است - البته شیوه ارتکاب زنا در همه موارد باید یکسان باشد - و مرتکب برای هیچ یک از آن‌ها حد نخورده باشد، که در این صورت بر وی تنها یک حد جاری خواهد شد، به عبارتی در این صورت قاعده تداخل مجازات را پذیرفته‌اند. لازم است متذکر شویم که در کنار پذیرش قاعده تداخل مجازات در شرایط فوق‌الذکر زمانی که زناهای ارتکاب یافته از انواع متفاوت باشد، قاعده مورد استفاده فقها و قانون‌گذار همان قاعده اصلی، یعنی عدم تداخل مجازات‌ها است.

نکته قابل توجه در این موضوع تبصره ۳ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی است که مقرر کرده است:

«اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود.»
به نظر می‌رسد که این ماده سابقه فقهی ندارد و قانون‌گذار با توجه به قاعده تفسیر به نفع متهم آن را وضع نموده است، تا بزه‌کار تنها به مجازات سنگین‌تر محکوم شده و از جلد رهایی یابد البته با توجه به اختلاف نظر میان فقها و روایات ذکر شده می‌توان در نظر داشت که قانون‌گذار اجرای مجازات اشد را در برخی موارد از سخنان فقهای غیرمشهور الهام گرفته است.

همچنین، در اینجا توجه به تبصره ۱ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز خالی از لطف نیست که مقرر می‌دارد: «چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجرا می‌شود. همان‌طور که می‌دانیم تبصره ۲ این ماده نیز برای تعدد در زنا دارای کاربرد است.»

بند سوم: تعدد جرم در تفخیز و لواط

الف) دیدگاه فقهای مذاهب خمسسه

حکم لواط‌های متعدد در فقه عامه و خاصه ذکر نشده است، ولی می‌توان با توجه به بزه‌های مشابه همانند زنا و سایر حدود بنا بر قاعده و اصل در این‌جا نیز یک‌بار حد اجرا شود (عاملی، ۱۳۷۴، ۲۴۰).

ب) دیدگاه مقنن

مفاد ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «در جرایم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرایم ارتكابی و نیز مجازات آن‌ها یکسان است. بیانگر پیروی قانون‌گذار از نظر فقها در این مورد است.»

البته در مورد جرایم لواط و تفخیز می‌توان به تبصره ۲ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره کرد که به نظر می‌رسد با توجه به مطالب ذکر شده در فصول گذشته سابقه فقهی ندارد و یا قانون‌گذار به پیروی از نظر فقهای غیرمشهور این حکم را تعیین کرده است.

بند چهارم: تعدد جرم در مساحقه

الف) دیدگاه فقهای مذاهب خمسسه

تعدد جرم در مساحقه همانند حدود دیگر است؛ یعنی اگر فردی در یک یا چند روز مرتکب مساحقه‌های متعدد شده باشد بدون اینکه حدی برای او جاری شود تنها یک حد می‌خورد. در کتب اهل سنت صحبتی از تعدد لواط و مساحقه نشده است ولی با توجه به جرم مشابه (یعنی زنا) می‌توان نتیجه گرفت که تعدد در این گونه جرایم نیز همانند بزه زنا باشد (جوکار، ۱۳۸۵، ۷۰).

ب) دیدگاه مقنن

از مفاد ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی درمی‌یابیم که قانون‌گذار در این موارد از فقه پیروی کرده است.

بند ششم: تعدد جرم در قذف

الف) دیدگاه فقهای مذاهب خمسسه

از منظر فقها اگر فردی به یک لفظ تعدادی را قذف کند چند حد بر وی واجب می‌شود خواه قذف‌کننده یکی باشد یا چند نفر باشند. اگر همه مقذوفین یکجا خواهان حد شوند فقط یک حد جاری می‌شود. اگر مقذوفین هر کدام جداگانه خواستار حد شوند، برای هر کدام یک حد جداگانه جاری می‌شود (طوسی، ۱۳۶۳، ۱۶۰/۸).

ب) دیدگاه مقنن

در ماده ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی به پیروی از فقه در فرض قذف چند نفر به یک لفظ، در صورت شکایت جداگانه بزه‌دیدگان، اجرای چند حد بر مرتکب و در صورت مطالبه مجازات توسط قذف‌شوندگان به صورت یکجا، به اجرای تنها یک حد بر مرتکب حکم شده است. در فرضی هم که قاذف، فرد واحدی را مکرر قذف می‌کند، فقها از جمله شهید اول معتقدند: در صورتی که بعد از هر قذف حدی جاری نشده باشد تنها یک حد واجب می‌شود. همچنین علمای عامه در مورد اجرای تنها یک حد بر شخصی که دیگری را مکرر قذف کرده باشد اتفاق نظر دارند و این در صورتی است که قاذف در فاصله هر قذف حد نخورده باشد، ولی اگر قذف نموده و حد بخورد سپس دوباره قذف کند، حد مجدد بر او جاری می‌شود (ابن رشد الحفید، ۱۴۱۵، ۳۶۲). از دیگر اشتراکات در این موضوع می‌توان به مفاد ماده ۲۵۸ اشاره کرد که قانون‌گذار در آن بیان داشته است زمانی که بزهکار یک فرد را به یک یا

چند سبب قذف کند تنها به یک حد محکوم می‌شود، البته حالت مدنظر ما زمانی است که ارتکاب جرایم توسط بزهدار در زمره تعدد جرایم قرار گیرد. به عبارت دیگر بزهدار پیش از آنکه حد بخورد، مکرراً مجنی‌علیه را قذف کند.

در حالت سوم یعنی برای کسی که چند نفر را به طور جداگانه قذف کند نیز حکم یکسانی در فقه عامه و فقه امامیه مورد پذیرش قرار گرفته است. آنان بر این باورند که مقذوفین خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک حد مستقلی بر قاذف جاری می‌شود. این امر مفاد ماده ۲۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد.

بخش پنجم: تقابل بین دیدگاه مقنن و فقه مقارن در تعدد جرایم جنسی تعزیری

فقه‌های امامیه قاعده عدم تداخل مجازات را در فرض تعدد جرایم مستوجب تعزیر پذیرفته‌اند؛ ایشان در صورت تحقق سه شرط مذکور در پذیرش تداخل مجازات در جرایم مستوجب حد به طریق اولی در فرض تعدد جرایم مستوجب تعزیر نیز قائل به قاعده تداخل مجازات‌ها هستند.

در فقه عامه اکثر فقهای اهل سنت نیز در جرایم تعزیری که دارای جنبه حق‌اللهی باشند، قائل به تداخل هستند اعم از اینکه جرایم از نوع واحد باشند، مثل اینکه شخصی اجنبیه‌ای را چندین بار ببوسد یا اینکه جرایم، انواع مختلف داشته باشند، مانند اینکه فردی اجنبیه‌ای را ببوسد و فرد دیگری را لمس نماید (عوده، بی‌تا، ۴۴۳).

البته لازم است متذکر شویم که با توجه به پذیرش قاعده تداخل در جرم قذف و حق‌الناسی بودن این جرم به نظر می‌رسد که این استثناء گاهی در جرایم حق‌الناسی نیز وجود دارد، پس به طریق اولی در جرایم مستوجب تعزیر نیز این استثناء وجود دارد. به نظر می‌رسد فقهای اهل سنت در این موضوع توجهی به نوع جرایم (یکسان بودن یا نبودن آنها) ندارند. در میان فقهای اهل سنت در مورد تداخل مجازات در جرایم مستوجب تعزیر که دارای جنبه حق‌الناسی هستند نیز اختلاف وجود دارد، گروهی تداخل و گروهی عدم تداخل را پذیرفته‌اند. شایان ذکر است از نظر فقهای امامیه در تعدد جرایم مستوجب تعزیر اصل قاعده عدم تداخل است مگر آنکه سه شرط ذکر شده در مصداق تحقق بیاید.

با بررسی فصل تعدد جرم در کتاب قانون مجازات اسلامی به نظر می‌رسد که قانون‌گذار بدون در نظر گرفتن شرایط در همه موارد در تعدد جرایم مستوجب تعزیر قائل به تداخل مجازات‌ها است. ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نوآوری قانون‌گذار بوده است زیرا در هیچ یک از روایات ذکر شده به روایتی برخورد نکرده‌ایم که در دل آن مفهوم تعدد معنوی نهفته باشد و تدبیری این‌چنینی در تعدد جرایم تعزیری به چشم نخورده است. البته شایان ذکر است که با توجه به اهمیت نظر حاکم در مجازات جرایم مستوجب تعزیر این تفاوت‌ها با توجه به اقتضای زمان و مکان امری طبیعی و ضروری است.

همچنین در مورد ماده ۱۳۲ باید گفت برخلاف آنچه در آرای فقها بیان شد، با ذکر کلمه «حد» در این ماده قانون‌گذار این حکم را تنها در فرض تعدد جرایم مستوجب حد پذیرفته است. در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحیه ۱۳۹۹ قاعده کلی درباره برخورد با تعدد جرایم مستوجب تعزیر با توجه به انواع آن‌ها بی آن که حق الله یا حق الناس بودن جرم مورد توجه باشد، بیان شده است.

در قانون و از نظر فقهای مذاهب خمس روایط نامشروع و اعمال منافی عفت مادون زنا در زمره جرایم مستوجب تعزیر قرار دارند با این تفاوت که به دلیل پیشرفت تکنولوژی و تغییر روابط در عصر جدید امروزه مصادیق بیشتری برای این جرم وجود دارد.

این در حالی است که آمیزش جنسی با حیوانات و خودارضایی از نظر فقها مستوجب تعزیر است، اما در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری نشده‌اند، نکته قابل ذکر در مورد خودارضایی این است که افراد به دلیل گناه برشمردن این عمل باید از ارتکاب آن خودداری کنند. در جوامع امروزه جرم انگاری کردن این عمل ممکن است تجاوز به حریم شخصی افراد تلقی شود، اما آمیزش جنسی با حیوانات از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا این عمل از طرفی موجب آزار و اذیت حیوانات و از سوی دیگر موجب ترویج بیماری‌های نادر و خطرناک در میان انسان‌ها می‌شود.

در مورد ازاله بکارت نیز این نکته وجود دارد که به صورت کلی این عمل در قانون در بخش دیات جرم انگاری شده است و میان حالات متفاوت آن قائل به تفاوت در بخش تعزیر و دیات نشده‌اند، این در حالی که در فقه این تفاوت به چشم می‌خورد.

برای تعدد جرایم جنسی مستوجب تعزیر در قانون و فقه مجازات خاص به چشم نمی‌خورد، پس شیوه تعیین مجازات مجرمین مشمول قواعد کلی ذکر شده می‌باشد.

بخش ششم: وجوه افتراق و اشتراک دیدگاه فقهای مذاهب خمس و قانون

مجازات اسلامی در تعدد جرایم مستوجب دیه

قاعده پذیرفته شده توسط قانون گذار در برخورد با مسئله تعدد دیات عدم تداخل مجازات است، البته شایان ذکر است که برای این اصل استثنائاتی نیز در نظر گرفته شده است که در صورت بروز شرایط به قاعده تداخل حکم می‌شود. در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شرایط تداخل دیه عبارت‌اند از:

الف) همه آسیب‌های ایجاد شده مانند شکستگی‌ها متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد.

ب) همه آسیب‌ها در یک عضو باشد.

پ) آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشند که عرفاً یک آسیب محسوب شود.

ت) مجموعه آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید.

در فقه عامه در تمامی مذاهب، دیه هیچ عضوی در عضو دیگر تداخل نمی‌کند و برای هر یک دیه جداگانه‌ای تعیین شده است. این قاعده کلی است، ولی تداخل دیه قسمتی از یک عضو در دیه قسمتی دیگر از همان عضو در دو صورت ممکن است:

۱- دیه آن قسمت معادل دیه کامل است.

۲- دیه کل شامل دیه جزء هم باشد (عوده، بی تا، ۲۸۸).

شایان ذکر است که در فرض تعدد دیات استثناء دیگر از نظر فقهای اهل سنت زمانی است که مرتکب به پرداخت دیه برای جنایت بر عضو و منفعت محکوم شود. در این صورت ایشان معتقدند دیه هر منفعتی از بدن، مستقل است و به طور کلی دیه منافع با هم تداخلی ندارد ولی هر گاه منفعت، ناشی از عضو خاصی باشد یا به عبارت دیگر محل آن منفعت، عضو خاصی از بدن باشد، دیه عضو در دیه منفعت تداخل می‌کند (همان، ۲۸۹).

از مطالب و روایت ذکر شده درمی‌یابیم که نظر مشهور فقهای امامیه عدم تداخل دیات در فرض تعدد است، البته میان آن‌ها اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد. در مجموع آنان در فرض تعدد جنایات نفس و مادون نفس قائل به تداخل دیات هستند.

بند اول: دیدگاه فقهی و قانونی در رابطه با تعدد جرایم جنسی مستوجب دیه

با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می‌رسد که در فرض تعدد جرایم ازاله بکارت و افضاء، فقهای شیعه از اصل که همان عدم تداخل است پیروی می‌کنند و در نتیجه مجرم را به پرداخت دو دیه محکوم می‌کنند.

در مقابل برای فقهای اهل سنت سه فرض وجود دارد:
در فرض اول، در صورتی که فقها افضاء را آسیب به عضو و ازاله بکارت را صدمه به منفعت این عضو بدانند و یا بالعکس، قائل به تداخل اند.
در فرض دوم، در صورتی که از نظر آنان دیه ازاله بکارت عام از افضاء باشد یا بالعکس، قائل به تداخل دو دیه هستند.

در فرض سوم، اگر تعدد جرایم افضاء و ازاله بکارت مشمول هیچ یک از حالات تداخل نباشد، مجرم به پرداخت دو دیه (اصل عدم تداخل) محکوم می‌شود.
قانون‌گذار در صورت ارتکاب مجرم به هر دو جرم افضاء و ازاله بکارت مطابق ماده ۶۶۱ با مجرم برخورد می‌کند. در این حالت از منظر قانون‌گذار مجرم علاوه بر پرداخت خسارت در جرم افضاء به پرداخت ارش البکاره نیز محکوم می‌شود.

بخش هفتم: برخورد فقهای مذاهب خمسسه و قانون‌گذار با تعدد جرایم حق الناسی

و حق‌اللهی

با توجه به تبصره ۱ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی درمی‌یابیم که در صورت صدور حکم اعدام جرایم مستوجب حد برای بزهکار که به موجب یکی از جرایم ارتکاب یافته تعیین شده است تنها اعدام اجرا می‌شود. لازم به ذکر است که در صورت تداخل جرایم حق‌الناسی با جرایم مستوجب حد، اجرای مجازات جرایم حق‌الناسی در الویت قرار می‌گیرد. در حالتی که جرایم ارتکاب یافته توسط مجرم شامل قصاص و تعزیر و حد و یا حتی دو نمونه از آن‌ها باشد باید به این موضوع که اجرای یک مجازات موجب از بین رفتن زمینه و یا به تأخیر افتادن اجرای مجازات مهم نشود توجه داشت.

راه حل قانون‌گذار در این موضوع این است که زمانی که قاعده جمع مجازات‌ها جاری است ابتدا مجازات جرایم حق‌الله و سپس مجازات جرایم حق‌الناس اجرا می‌شود این در حالی است که همان‌طور که ذکر کردیم در صورت تداخل مجازات‌ها اولویت با مجازات حق‌الناس است و پس از آن مجازات حق‌الله اجرا می‌شود.

نکته قابل ذکر آن است که قانون‌گذار در همه موارد اصل را استفاده از قاعده عدم تداخل مجازات‌ها تعیین نموده است.

توجه به مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خالی از لطف نیست که به ترتیب در آن قصاص به عنوان مجازات جرایم حق الناس را بر جرایم مستوجب حد که در زمره مجازات حق الله است مقدم دانسته است، و نیز در تعدد جرایم موجب حد و تعزیر و نیز جرایم موجب قصاص و تعزیر قاعده جمع مجازات‌ها پذیرفته شده است، اما در صورت تداخل مجازات‌ها ابتدا حد و قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب به تأخیر افتادن اجرای مجازات حدی نیز نشود که در این صورت ابتدا تعزیر اجرا می‌شود. قاعده کلی قانون مجازات فرض تعدد جرایم حق الهی و حق الناسی قاعده جمع مجازات‌ها است.

بخش هشتم: اجتماع حدود در جرایم حق الهی و حق الناسی

بند اول: حدود حق الهی محض

حدود حق الهی محض شامل دو قسمت است:

قسمت اول: در آن‌ها قتل وجود دارد، مثل اینکه هرگاه کسی سرقت کند و زنا یا محصنه انجام دهد و شراب بخورد و در هنگام محاربه کسی را بکشد پس کشته می‌شود و سایر حدود ساقط می‌گردند و این نظر مبتنی بر قول ابن المسعود و ابوحنیفه است، اما شافعی معتقد به استیفای همه حدود است (ابن قدامه، ۱۹۸۵، ۳۲۷؛ فتحی، ۱۹۸۸، ۳۵۷).

قسمت دوم: در میان حدود قتل وجود نداشته باشد، در این صورت همه حدود الا خف و فالاخف اجرا می‌شوند. پس هرگاه کسی شراب بخورد و زنا بکند و سرقت کند ابتدا حد شرب را اجرا می‌کنند و سپس حد زنا را جاری ساخته پس از آن دست راست او را به خاطر سرقت قطع می‌کنند و اگر مالی را در حال محاربه سرقت نموده باشد، مجازات آن را در مجازات قطعی ادغام می‌کنند، زیرا محل قطع ید واحد است (ابن قدامه، ۱۹۸۵، ۳۲۱).

بند دوم: حدود حق الناسی محض

مانند حق قصاص و حد قذف که در این صورت همه آن‌ها استیفا می‌شود، پس از حد اخف مانند قذف شروع سپس حق قصاص اجرا می‌گردد، اما ابوحنیفه معتقد است آنچه از قتل کمتر و مادون آن است در اصل قتل ادغام می‌شود و مستند او قول ابن مسعود است،

اما نظر خود صاحب کتاب بر عدم تداخل بطور مطلق در حق الناس است (ابن قدامه، ۱۹۸۵، ۳۲۳).

بند سوم: جمع حدود حق‌اللهی و حق‌الناسی

الف) قسم اول: حدود حق‌اللهی و حق‌الناسی باهم جمع می‌شوند و اگر قتل در میان آن‌ها نباشد در این صورت همگی اجرا می‌شوند، قول ابوحنیفه و شافعی و مالک این است که حد شرب خمر و قذف به لحاظ اتحاد موجب در هم ادغام می‌شوند (قریب کرکانی، ۱۳۹۴، ۸۸).
ب) قسم دوم: حدود حق‌اللهی با حق‌الناسی جمع شوند و اگر در میان آن‌ها جرم قتل باشد در این صورت همه حدود حق‌اللهی در حق‌الناسی به لحاظ انتفاع موضوع مجازات ادغام می‌شوند، مانند زنای محصنه و قتل و یا محاربه و قتل کسی که در حین محاربه کشته شده که در این صورت حق‌الناس مقدم بر حق‌الله می‌باشد (ابن قدامه، ۱۹۸۵، ۳۲۱).

تبصره: چنانچه دو حق در محل واحد جمع شوند:

هرگاه دو حق از نظر اجرا در محل واحد قرار گیرند و اجرای یکی از آن دو موجب تقویت محل اجرای دیگری شود، همانند قتل و قطع ید از باب قصاص و حد، اگر در میان آن‌ها حق‌الله محض باشد مانند رجم در زنا، در این صورت حق قصاص به علت حق‌الناسی بودن بر اجرای حق‌الله مقدم می‌گردد (ابن قدامه، ۱۹۸۵، ۳۲۲). در فقه شیعه صاحب جواهر می‌فرماید: اگر فردی در حین محاربه مالی را بر باید و کسی را بکشد در این صورت ابتدا به خاطر سرقت دستش را قطع کرده و سپس او را از باب قصاص می‌کشند و نتیجتاً اعمال مجازات محاربه منتفی می‌گردد و همچنین اگر محارب در حین محاربه کسی را مجروح نموده باشد به قصاص آن نیز محکوم می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۵۸۰/۲). به نظر می‌رسد در فقه و قانون مجازات در فرض تعدد جرایم حق‌اللهی و حق‌الناسی قاعده مورد پذیرش قاعده جمع مجازات‌ها است. قانون‌گذار به پیروی از فقها در فرض تداخل جرایم حق‌الناسی و حق‌اللهی به اولویت اجرای مجازات حق‌الناسی حکم نموده است. به نظر می‌رسد که قاعده اصلی در فرض تعدد جرایم مستوجب حد، تعزیر و دیه از نظر فقهای مذاهب خمسسه و قانون‌گذار، عدم تداخل مجازات‌ها است.

نتیجه گیری

قانون گذار به پیروی از فقه در فرض تعدد جرایم مستوجب حد اصل را عدم تداخل مجازات در نظر گرفته است و در صورت تعدد جرایم حدی یکسان حکم به تداخل مجازات داده است. در موارد دیگر قانون گذار نیز در تعدد جرایم حدی مجرم را تنها مستحق اجرای مجازات اشد دانسته است. با توجه به اینکه تعیین مجازات جرایم مستوجب تعزیر مربوط به حاکم دوران است قانون گذار شیوه متفاوتی از مشهور فقها اتخاذ کرده است و در کل قاعده تداخل مجازات را پذیرفته است. لازم به ذکر است که قانون گذار در مواردی چند نیز در برخورد با تعدد جرایم مستوجب حد و تعزیر از قاعده اصلی عدول کرده و تنها اجرای مجازات حدی را برای مجرم در نظر گرفته است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل عدم تداخل را در فرض تعدد دیات پذیرفته است. استثناء این قاعده در صورت تحقق شرایطی که در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است، محقق می شود.

از نظر فقهای مذاهب خمس در فرض تعدد جرایم مستوجب حد، تعزیر و دیه اصل قاعده عدم تداخل بوده که قانون گذار علاوه بر پیروی از آن استثنائاتی نیز راجع به این موضوع قائل شده است. به طریق اولی این حکم در فرض تعدد جرایم جنسی نیز حاکم است.

فقهای شیعه در برخورد با تعدد جرایم مستوجب حد و همچنین تعزیر اصل را بر عدم تداخل مجازات قرار داده اند، البته استثنائاتی هم در نظر گرفته شده است که در صورت تحقق سه شرط حکم به تداخل داده خواهد شد. این سه شرط عبارتند از:

الف) جرایم ارتكابی از نوع واحد باشند.

ب) در فواصل ارتكاب جرم، مجرم مجازات (تعزیری یا حدی) نشده باشد.

ج) جرم ارتكابی دارای جنبه حق اللهی باشد.

فقهای شیعه معتقدند در فرض تعدد جرم در جنایات، دیه هیچ عضوی در عضو دیگر تداخل نمی کند و برای هر یک دیه جداگانه ای تعیین می شود که این قاعده کلی است. لازم است متذکر شویم که فقهای شیعه تنها در فرض تعدد جنایات نفس و مادون نفس به تداخل دیه حکم می کنند.

دیدگاه فقهای اهل سنت در تعدد جرایم مستوجب حدود مشابه فقهای شیعه است. آنان عمدتاً در مورد تعدد عقوبات معتقد به تداخل در حق الله و عدم تداخل در حق الناس هستند. فقهای اهل سنت در نظریه تداخل به طور کلی قائل به دو حالت شده‌اند:

۱- وحدت نوع جرم: جرایم متعدد از یک نوع باشند، خواه این مجازات‌ها حد باشند یا تعزیر. شایان ذکر است در این مورد نیز چنانچه جرایم به لحاظ خفیف یا شدید بودن یکسان باشند، رأی مشهور تداخل مجازات‌ها است، ولی اگر ارکان تشکیل‌دهنده جرایم علی‌رغم عنوان واحد داشتن متفاوت باشند، هر چند ارکان جرم و مجازات نیز متفاوت است، ولی صدق عنوان واحد، مستلزم تداخل است، و نهایت اینکه مجازات اشد اجرا می‌شود.

۲- مورد دوم در اعمال قاعده تداخل، وقتی است که جرایم متفاوت دارای مجازات‌های متفاوت باشند، ولی غرض از مجازات مقرر در این نوع جرایم، حمایت از مصالح یکسان و واحد می‌باشد.

در مورد تعدد جرایم مستوجب تعزیر میان فقهای اهل سنت اختلاف نظرهایی وجود دارد، اکثر آنها در جرایم تعزیری که دارای جنبه حق‌اللهمی باشد قائل به تداخل هستند اعم از اینکه جرایم از نوع واحد باشند یا اینکه جرایم، انواع مختلف داشته باشند.

فقهای اهل سنت در فرض تعدد جرایم مستوجب دیه نیز قائل به عدم تداخل مجازات هستند ولی تداخل دیه قسمتی از یک عضو در دیه قسمت دیگر از همان عضو را در دو صورت می‌پذیرند:

۱- دیه آن قسمت معادل دیه کامل است. *انسانی و مطالعات فقهی*
۲- دیه کامل شامل دیه جزء هم باشد. *انسانی و مطالعات فقهی*
شایان ذکر است که در فرض تعدد دیه منافع و عضو، هرگاه منفعت ناشی از عضو خاصی باشد یا به عبارت دیگر محل آن منفعت، عضو خاصی از بدن باشد، فقهای اهل سنت به تداخل دیه حکم می‌کنند.

به نظر می‌رسد که از نظر فقهای مذاهب خمس و قانون‌گذار در فرض تعدد جرایم جنسی قاعده عدم تداخل مجازات‌ها پذیرفته شده است و استعمال قاعده تداخل مجازات‌ها در نتیجه تحقق شرایطی امکان‌پذیر است که قانون‌گذار در راستای تدوین این قوانین به بهترین شکل از فقها پیروی نموده است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

کتاب

- ۱- اردبیلی، م. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، جلد ۳، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
- ۲- کلامی، ک. (۱۳۸۹). تعدد و تکرار جرم در فقه و حقوق اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- ۳- فیض، ع. (۱۳۶۹). تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ۴- عزیزی، ا. (۱۳۹۵). پیشگیری از جرایم جنسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۵- معین، م. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سرایش.

مقالات و مجلات

- ۱- کبریتی، م. (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی جرایم جنسی در حقوق کیفری بین‌النهرین باستان؛ آیین کیفری یهود؛ فقه جزایی اسلامی و حقوق ایران.

پایان‌نامه‌ها

- ۱- قریب کرکانی، س. (۱۳۹۴). تداخل مجازات در فقه اسلامی و حقوق موضوعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۲- جوکار، م. (۱۳۸۵). بررسی تعدد و تکرار جرم در فقه امامیه و اهل سنت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم.

ب) غیر فارسی

- ۱- موسوی بجنوردی، س. م. (۱۳۹۱). القواعد الفقهیه، جلد ۳، قم: مطبعه الاداب، چاپ نجف.
- ۲- عوده، ع. (بی‌تا)، التشریح الجنایی الاسلامی، جلد ۲، بیروت: دار الکتب العربی.

- ۳- نجفی اصفهانی، ش. (۱۴۰۴ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱ و ۴۳، چاپ هفتم، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۴- طوسی، ا. (۱۳۶۳). المبسوط فی فقه الإمامیة، چاپ دوم، جلد ۴ و ۷ و ۸، تهران: المکتبه المرتضویه.
- ۵- ابن رشد الحفید (اندلسی)، م. (۱۴۱۵ه.ق). بدایه المجتهد و نمایه المقتصد، جلد ۲، بیروت: دار الفکر.
- ۶- ابن قدامه، م. (۱۹۸۵م). المغنی و الشرح الکبیر، بیروت: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- ۷- فتحی، ب. (۱۹۸۸م). نظریات فی الفقه الجنائی الاسلامی دراسه فقیهه مقارنه، بیروت: دار الشروق المطبعه الرابعه.

